



آیا جنگ سرد دیگری در راه است؟

بسیاری از کشورهای جنوب جهانی تاکید دارند که جنگ اوکراین، جنگ منطقه‌ای است که نباید اجازه داده شود کل جهان را تغییر دهد یا اختلال‌های فراگیری به وجود آورد. آنها روسیه و چین را شرکای خود در برابر نظم ایجادشده از سوی آمریکا و هم‌پیمانان این کشور قلمداد می‌کنند. به این ترتیب، جنگ اوکراین تاثیر زیادی بر روابط سیاسی و اقتصادی کشورها دارد. واشنگتن معتقد است، تهدیدهای امنیتی در اروپا و آسیا چنان عمیق و درهم تنیده‌اند که این دو قاره یک «سیستم عامل» واحد محسوب می‌شوند. این نوعی الگوی فکری است که شباهت زیادی با الگوی فکری دوران جنگ سرد دارد. در آن دوره آمریکا معتقد بود، آنچه در ویتنام و کره رخ می‌دهد، اثراتی بر شهر تقسیم‌شده برلین یا شمال آتلانتیک خواهد داشت.

تفاوت بزرگ دوره حاضر و جنگ سرد قبلی این است که اکنون آمریکایی‌ها، چین - و نه روسیه- را جدی‌ترین رقیب خود می‌دانند. این واقعیت که جنگ اوکراین را روسیه شروع کرده، تغییری در این باور آمریکایی‌ها ایجاد نکرده است. در واقع، تمرکز آمریکا بر چین سبب می‌شود که باور واشنگتن به فراگیر بودن اثرات جنگ اوکراین شدت پیدا کند. دولت بایدن، جنگ اوکراین را صرفاً مساله‌ای در حوزه امنیت اروپا نمی‌داند، بلکه معتقد است که این جنگ برای نظم بین‌المللی تبعاتی دارد. برخی معتقدند، مانند دهه ۱۹۷۰ باید بین چین و روسیه افتراق ایجاد کرد؛ اما عده کمی در واشنگتن معتقدند که در آینده نزدیک، چنین کاری انجام‌شدنی است. در واقع، مقامات آمریکایی معتقدند، چین کاملاً از روسیه پشتیبانی می‌کند و اولویت اصلی آمریکا این است که اجازه ندهد، طرفداری پکن از روسیه، به حمایت مستقیم نظامی و اقتصادی از این کشور تبدیل شود.

همپیمان‌های آمریکا در آسیا، به‌ویژه ژاپن، کره‌جنوبی و استرالیا، کاملاً از تبعات جنگ اوکراین بر امنیت خود آگاه هستند. بدترین سناریو برای آنها این است که جنگ اوکراین، سبب جسور شدن چین شود و این کشور به تایوان حمله کند. این سناریو می‌تواند بر کل منطقه شرق آسیا اثر بگذارد. از سوی دیگر، بهترین سناریو برای آنها این است که جنگ اوکراین، ائتلاف غربی و رهبری آمریکا را احیا و تقویت و چین را وادار کند که از نفوذ خود در آسیا بکاهد. البته در عالم واقع، دولت آمریکا معتقد است، جنگ اوکراین تغییری در تفکر چین درباره منطق حمله احتمالی به تایوان ایجاد نکرده است. به عقیده آمریکا، چین بیشتر علاقه‌مند است که همزمان با تحولات اوکراین و تغییراتی که در روابط روسیه و غرب ایجاد می‌شود، برنامه‌های خود را طوری تنظیم کند که اقتصاد چین از تحریم‌های احتمالی غرب مصون بماند. یکی از درس‌هایی که پکن از جنگ اوکراین فراگرفته، این است که هرگونه اقدام نظامی به نیرویی بزرگ نیاز دارد.

اواخر ماه گذشته میلادی، بایدن به ژاپن و کره‌جنوبی سفر کرد و گفت که آمریکا برای دفاع از تایوان خواهد جنگید. در پایان ماه جاری میلادی، ناتو در مادرید نشست برگزار خواهد کرد و از ژاپن، کره‌جنوبی، استرالیا و نیوزیلند دعوت شده است که در این نشست حضور داشته باشند. هدف از ایجاد ائتلافی از دموکراسی‌ها، ارتقای جایگاه و موقعیت امنیتی اروپا و آسیاست. کشورهای نظیر ژاپن، نقش نمادین و عملی بسیار مهمی در مقابله با روسیه بازی می‌کنند. حضور این کشورها در برنامه تحریم‌هایی که علیه روسیه اجرا می‌شود، بسیار مهم است و دور زدن تحریم‌ها را برای مسکو بسیار دشوار خواهد کرد. در مقابل، کشورهای آسیایی مایلند که اروپایی‌ها نقش امنیتی بزرگ‌تری در آسیا ایفا کنند. چندی پیش، حضور موقت ناوهای بریتانیایی، فرانسوی، آلمانی و هلندی در منطقه غرب آسیا مورد استقبال کشورهای منطقه قرار گرفت.

آمریکایی‌ها از واکنش همپیمان‌های خود در شمال آسیا در قبال جنگ اوکراین خشنود هستند، اما از اینکه نتوانسته‌اند در جنوب آسیا دیدگاه‌ها را با غرب هماهنگ کنند، نگرانند. اخیراً نشستی با کشورهای عضو «آسه‌آن» در واشنگتن برگزار شد. در این نشست، برخی از

رهبران آسیایی در گفت‌وگوهای خصوصی خود، دیدگاه‌هایی شبیه دیدگاهی که مسکو درباره مسوولیت ناتو در به راه افتادن جنگ اوکراین دارد، بیان کردند. هند چالش بزرگ‌تری محسوب می‌شود. دولت هند بسیار مراقب است که از هیچ‌یک از دو طرف در جنگ اوکراین طرفداری نکند. هند بر واردات نفت از روسیه افزوده است و با توجه به تحریم‌های غرب علیه مسکو، انتظار می‌رود که روابط تجاری دو کشور گسترش یابد. اما واشنگتن معتقد است، اعمال فشار بر هند برای همراه کردن این کشور با غرب علیه روسیه نتیجه عکس خواهد داشت. در عوض، واشنگتن قصد دارد به تدریج دهلی‌نو را به سمت خود جذب کند. این کار با تاکید بر منابع مشترک امنیتی دو کشور در مهار نفوذ چین انجام خواهد شد.

برخی از مورخان معتقدند، جنگ‌های جهانی اول و دوم، دو مرحله از یک روند تنازع بین غرب و شرق بود که چند دهه صلح شکننده بین آنها فاصله انداخت. مورخان آینده، احتمالاً درباره نخستین و دومین جنگ سرد صحبت خواهند کرد که ۳۰ سال جهانی‌سازی بین آنها فاصله انداخت. به نظر می‌رسد، دومین جنگ سرد با حمله روسیه به اوکراین در ۲۴ فوریه سال جاری آغاز شده است. تمامی آنچه در ماه‌های اخیر رخ داده و در آینده رخ می‌دهد، بر ساختار اقتصادی و تجاری جهان و مناسبات سیاسی و اقتصادی کشورها و بلوک‌ها اثر می‌گذارد.